



روزانه ها ...

پیوندها قلم ها



خانه

گاه روزانه های دیروز ... و امروز

آراد (م.) ایل بیگی



آوردن این مطالب نه به معنای تأییدست و نه به انتقاد ؛ تنها برای خواندن ست و ...

421

امورلت داخلی مملکت مدّ مداخله نکنند. عهد را قبول کردند ما هم بعد از این قرار داد، آنها را با احترام پذیرفتیم. پس از ورود ایشان چند رشت چند نفر اشخاص مجهول به اسم ایرانی و به عنوان فرقه عدالت بدو اشرار ازلی و بعد در رشت آمدند که زبان امورالت مملکتی را در دست بگیرند، از اینکه مردمانی بودند از عادات ایرانیت بی اطلاع و آزاری مذاق افراطی و دشمنان موجب ضرر بسود، با ابراهیم صعبیه ایشان را متقاعد گریختیم چند روزی گذشت، همین عده به اسم کمونیست با تحریک ابوقح که یک فقر صاحب ریاست طلبی است، بنای فساد و خردمبری گذاشته، شروع به مداخله در امورالت و ادارات کردند. عصر روز تحکات نموده تظاهراتی عسری م شروع کردند، اشکال تراشیهای مختلفه نموده، کشون و فخرات بی اجازه و اطلاع حکومت جمهوری را زد کرده و دو نفر از رفقای داخل ما را که شعاعها بیخوبی از حال آنها مسوقید به طمع ریاست با خود همراه کردند. حواس و اوقات ما و حکومت جمهوری را صرف منسده و فتنه انگیزی خودشان کردند. هر قدر نصیحت نمودیم و مصلحتی موقع را به ایشان نشان دادیم، مضطربان نفاق را گشتیم، مشتبه نشدند.

در وقتی که نزارت و مجاهدین و زاهدان بهای ملی به ریاست همین آقا و کتلی قتملی خان به اتفاق کشون بشویک در منجیل و رودبار با انگلیسها مشغول جنگ بودند و یک قسمت از مجاهدین در طلبی مقابل سرشام السلطنه تسوق داشتند و عدلی در پسپخان مشغول به عملیات بودند کمونیستها با دستور ابوقح صداری عده به اسم فرستادن و فرودت بی اطلاع مسافرا به رشت وارد کردند. به سردستگی آن دو نفر رشتی متعلقه در رشت و انزلی ریخته شلیک کردند، دوایر را تصرف کردند، خسوابتند امیرا و رؤسای دوایر جمهوری را دستگیر کنند، من که مسوق قضا بودم دیم در رشت بمانم باید جنگ کنم و جنگ هم دشمن را قوت داده باعث شانه خرابی است. قهار آمدم فومن. رؤسای دوایر جمهوری و مجاهدین هم شهر را تخلیه کرده آمدند. آن وقت کمونیستهای ضد دین با عدد مکن، در پسپخان به مجاهدین هجوم نموده شلیک کردند. چند نفر را گشتند. مجاهدین لاچار به مذاخه حاضر شدند. من منقبت شده با تلقی آنها را فرمان عقبت انیشینی دادم، آنها نیز به سمت فومن آمدند و مخالفین به این مقدار قناعت نکرده به تعالیم ماها و مجاهدین به فومن و نولمان و صومعه سرا آمده ما هم بسوزن اینکه به آنها نزدیک نیاشیم که نباید عصابه شود آمدیم در کوههای جنگل منزوی شدیم. آنها بعد از دخالت در دوایر رشت و انزلی به تجارت خانها و اموال مردم مشغول شده با چوب و شکتجه و حبس از مردم شروع به گریختن ببول نموده، اداره آرزاق را که به آنها آذوقه میداد با سایر دوایر چالید، مسعین انزلی، حجاج شیخ محمد حسن و فتحعلی حسان و جمعی دیگر از گلزنان و مجاهدین را گرفته در حسابهای کشک حبس کردند. اجزای اداری آرزاق را به اسم اسیر در شهر گردش دادند. با بیان نامهها و نطقهایی در مجامع به من هتاک و فحاشی نموده خیالات و سازش با ضاد و انگلیسها را به من نسبت دادند، در حالیکه باسوسان انگلیس در میان آنها مشغول گزند و حرکات آنها دشمن را قوت میداد. بعد خودشان رؤسای دوایر همین کردند. جمعی از خودشان را با آن دو نفر رفیق متعلق ما تصمیم کرده و آن دو نفر و مغلوب اکثریت خود نمودند.

توضیح: سند بسیار آورنده و تسکون سختتر نشدهای که مشاهده می کنید، توسط استاد ابراهیم فخرانی برای ارائه در اختیار کیهان فرهنگی قرار گرفته است. بدتشکر از ایشان، نخست توضیحاتی را که در صورت موقع و شرایط نوشتن آن اظهار کردند، می آوریم.

استاد فخرانی: این بیانیه به تستریر و اعضای میرزا کوچک خان و به خط من است که در آن زمان منشی و مسخر و مخصوص آن مرحوم بودم و گمان می کنم بعد از این دیگر بیانیه ای از سوی میرزا منتشر نشد، این بیانیه در آن روزهای پایانی و بحرانی بعد از آن هسه مساجراها نوشته شده است.

تقریر تقریر هم نشان می دهد که خیلی خودمانی و صمیمی و ساده و حرفهای دل آن مرحوم است.

این سند اگر چه یک بیانیه است ولی تمام امیال و اغراض و همچنین طرز آمدن کمونیستها و مطالب بسیار دیگه را به روشنی توضیح داده و ثبت کرده است و در مورد وقایع تبضت جنگل سند بسیار ارزندهای است.

آخرین بیانیه  
بهدیاسی نظامی  
میرزا کوچک خان

حوالط  
خطاب به برادران مجاهدین.

شش سال است هر یک از آن برادران عبور متعاقب یکدیگر زحمت اقامت جنگل و مجاهدت در راه ترقی ایران و ایرانی را اختیار کرده با من در طریق سعادت وطن همقدم شدید.

در این مدت صد مساتی را که خودتان بهتر می دانید تحمل کردیم، با قشون اسپرظوری روس، با توان انگلیسهای دولت ایران، با اردوی انگلیس، با منافقین داخلی جنگ نمودیم، انواع سرورتهای گریستگها، برهنگها، در به درها دیدیم، به این امید که روزی موفق شویم ایران را از وجود خاننن و مستبدین خصمیه کرده قشون بیگانه را خارج نمائیم. با بهای عدالت را میگردیم، با این حال اهرار حیات می گردیم تا چندی قبل قشون سویت روسیه انزلی را با بمبارده کرده تصرف نمودند، قشون انگلیس به رشت عقب نشست. منافقان بشویک مرا به انزلی خسوابتند، رفتیم با آنها ملاقات و مذاکرات کردم، قرار شد با ما به دو چیز حسادت کنند، یکی اینکه به ما اطلاع بدهند، قیمت بگیرند، آنها استعاده دادن را قبول کردند ولی قیمت نخواهند.

دیگر اینکه نزارت هر قدر لازم تا بشیم و تعیین کرده و دله کنند. سرودم نشرات فیلورته و به



ابراهیم فخرانی

# سندی منتشر نشده از سردار جنگل

کیهان

کیهان فرهنگی ۲۰

انت قرار دادند که به اسم آنها و دست آنها شاید شماها و مردم را ساکت کرده ولی مقاصد خودشان را انجام دهند.

اهالی را به وحشت انداختند طوری که بزاز و ناکین تعطیل شده هر کسی به خانه های مردم بجزایره میریزد اصولشان را شارت می کنند. آن کتلی از خانجانی که در باد کوبه نمودند مخصوصاً علاوه بر ۲۰ میلیون توپخانه سال ایرانی را بردند، مگر قبول شرفی دادند. و نگنند، نگردند، در گیلان و سایر جاهای ایسرای مسی خواهند همانطور معامله کنند. این سخنهایی از وضعیت این مدت بود که برای اطلاع شما نوشتیم. اینکا به شرح حالات آنها با مختصر می پردازم.

این کمونیستهای که هستند و چه می گویند؟ بهر کاشان چیست؟ اما کمونیستهای حالیه رشت یک عده قویجها و آدم کشهای لفظازانه که بعضی از آنها خود را ایرانی خوانند، از تمام عبادت و اخلاق و شعائر ایرانیه بی اطلاع و دور بلکه ندانند هستند. در مجامع بی ملاحظه از قوانین مردمی تبریک می کنند. در لفظازانه سخنان پول گوشتن و مزبور شدن برای آشنکشی بوده. اخیراً برای اینکه سلامت و بیشتر مردم را بکشند و ضارت کنند، مسلک کمونیستی را به خصوص دوستند، مسکن کمونیستی اشراکی را از آبهایی که می دانند بر می آورند. تا از شرفش اشخاص می کشند زیرا در تصدیق و تالیب آن برای حفظ بی غرضی خود مان اروپا ساکتند همین قدر می گویند ایسرای یک همیشه عقیده و ملاحظه تندتلاً محال است. اما محرک آنها چیست؟

آبوتکف و دولتی از هم خیالان او که می خواهند بعین دسایش بادست این چند نفر ایرانیهای صوری و دولتی رفیق مخالف صا و تمام امور ایران را به مسئولان انقلاب در دست بگیرند. کمونیستهای فاعی خودسر را داخلی عملیات نموده و هر قدر نمایدگان سویت روسیه از حرکات آنها جلوگیری نمودند مفید نشد بلکه به دسایش خودش یکی و نظیر از آنها را متهم نمود. آنها برای کشف فساد با مسکوره فتنه حالا که آنها معرفی شدند وضعیت مملکت و آبان جرد این حوادث می نویسم. حال گیلان و استقلال داخلی او را بدست این حضرات که می بینید. اما خارج از گیلان، انگلیسها با ما دشمن و بهیچو ما کمر بستند.

نوبت ایران و مستبدین از هر طرف مشغول بهیچه ما هستند. قلعه پرتغالی اگر هیچتهد او دیلی بنایر طمان از بهیچای صوای حرکات اسراطی کمونیستها افلان جهاد به آذربایجان و شاهسونها داده و آنها کاجد و دسایش آمندند که به ماها بتازند. باج حالان را که خودتان بهتر می دانید، با این همه فیات و هجوم دشمنان، کمونیستها هم در رشت شروع به این عملیات خصمانه نموده که فعلاً ماها از سرفی در فشار دشمنان و از سرفی در فشار کمونیستها هستیم. در این صورت آنها به دشمن قوت می کنند. ماها آنها خوبانست می کنند یا ماها بردا وقتی که دشمن به خانما وارد شد این عده نا امل یا اموال غارت شده گیلان فرار می کنند. اهل بیانی و زندگانی شماها و اهد به دست دشمن بیفتند آن دولتی رفیق جدهای تبعیضی که می خورد فقط و سواهی است. اما علاوه بر و لقا، در مقابل همه شما گفته می گویم باید استقلال ایران مسلوب نشد. باید ملت ایران آزاد باشد، باید رشته انقلاب تمام حکومت ایران در دست ایرانی باشد. باید

سند منتشر نشده ای از سردار جنگل  
این سند منتشر نشده ای از سردار جنگل است که در آن به شرح حالات و وضعیت گیلان و سایر مناطق شمالی ایران در زمان حکومت کمونیستها پرداخته شده است. در این سند به نحوه رفتار کمونیستها با مردم، سرکشی آنها در برابر قوانین و اخلاق ایرانی، و همچنین به اقدامات آنها در جهت سرکشی و بی احترامی به شعائر و عبادت ایرانی اشاره شده است. سند به شرح حالات این مدت می پردازد و برای اطلاع شما نوشته شده است. اینکا به شرح حالات آنها با مختصر می پردازم.

مقدرات ایران در عهد ایرانی باشد. چنانکه لنین و کروفسکی و برابون و لسانیکان صیغیه السجمل سویت روسیه همین عقیده عمده داشتند و دارند. کمونیستها حق دخالت ندارند. عقاید و مسائل آزاد است ولی که بهطوریکه مستغالب انتظامات اجتماعی باشد. با انگلیسها چراغار نیمه برای اینکه در ایران آفتند (و) دخالت در امور ما کردند. هر چه گفتیم نرفتند. با دولت ایران چراغار نیمه برای اینکه ظلم می کند و به جان و مال مردم تعدی و تجاوز می کنند. کمونیستها وقتی که دخالت در امور داخلی ما کردند. اهل و عسارت و تعدی نمودند آنها هم مثل انگلیسها به دولت ایران و مستبدین ضرر خواهند داشت. بلکه چون آنها به اسم روسی آمدند خبرشان مژگنتر خواهند بود. بر فرض اینکه این عده ایرانی باشند یا بی اطلاع از اوضاع و احوال و این استقلال و عبادت اسراطی با این مسلک و عقیده حاضر در مقابل کوروا ایران نمی توانند حکام مسافریه باشند در این صورت تکلیف شماها چیست؟ باید یا بشید فریب نرسوید، در تحت لوی کلمه انبند و اتفاق همه چیز خودتان زاده خود سری و لفظاً این آقایان حفظ کنید هر که مداخله در امور داخلی شما کرده او را دشمن بدانید. هر که بی طمع و صمیمانه با شما مساعدت کرد آنها را دوست فرض کنید. آنها این که تخم نفاق کاشند از جامعه ملت خود اخراج کنید و این گفته را به خاطرهای خود بسپارید که هیچوقت سویت روسیه و نمایندگان در ستکار آنها به حرکات و هرزگیهای آبوتکف و این چند نفر را نمی قیستند.

سویت روسیه اگر مسلح بشوند، بتلاشجه جلوگیری خواهند کرد. اگر بعد از اطلاع قادر به جلوگیری شدند آن وقت تکلیف ما این است: کمونیستها، انگلیسها، دولت مستبد ایران را در یک ردیف حساب کرده به نام حفظ وطن و دفاع ابرائیت و معارف و حقوق اجتماعی از همه دفاع کنیم و باین داریم که خدا یار و مددکار ما خواهد بود.  
زاده باد جمهوری ایران هرده باد انگلیس و خائنین دست باد مخالفین کوچک جنگلی شهر کوچک جنگلی



کیهان فرهنگی ۲۱

به نقل از: " کیهان فرهنگی " ، سال دوم ، شماره ۹ ، آذر ۱۳۶۴ ، صص ۲۰ و ۲۱ .